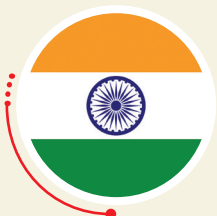




سپر موشکی در تایوان

رئیس جمهور تایوان از برنامه خود برای ساخت سپر دفاع موشکی اختصاصی این جزیره تحت عنوان پروژه «سپر تایوان» یا «گنبد تی» به بهانه وجود تهدید حمله از جانب چین خبر داد. «لای چینگ-ته»، رئیس جمهور تایوان در یک سخنرانی در روز جمعه خطاب به یک گروه‌مایی تایوانی‌ها به مناسبت آنچه «روز ملی تایوان» خوانده، قول داد بودجه نظامی این جزیره را به بیش از سه درصد تولید ناخالص داخلی رسانده و تا سال ۲۰۳۰ نیز این افزایش را به سطح پنج درصد تولید ناخالص داخلی برساند. او عنوان کرد: «این افزایش بودجه دفاعی دارای هدفی است. به وضوح مقابله با تهدیدات دشمن و پیشبرد و توسعه صنایع دفاعی ما ضرورت دارد.» تایوان هر چند که یک جزیره خودمختار به حساب می‌آید اما چین آن را بخشی از خاک خود دانسته و تاکید کرده که باید تحت حاکمیت پکن قرار بگیرد.



سفارت هند در کابل

وزیر امور خارجه هند در پی دیدار با همتای افغانستانی در شهر دهلی نو از تصمیم کشورش برای ارتقا دادن هیئت دیپلماتیک خود در شهر کابل و تبدیل آن به سفارتخانه کامل خبر داد. «سوبرامانیام جایشانکار»، وزیر امور خارجه هند در اولین تعامل دیپلماتیک بلندپایه کشورش با حکومت طالبان از زمانی که این گروه بار دیگر در سال ۲۰۲۱ قدرت را در افغانستان در دست گرفت، با «امیرخان متقی» وزیر امور خارجه دولت سرپرست افغانستان در شهر دهلی نو دیدار کرد. جایشانکار در کنفرانس مطبوعاتی مشترکی با امیرخان متقی بعد از نشست تصریح کرد هند متعهد به توسعه افغانستان بوده و وعده داد از بخش‌های مختلف این کشور از جمله تجارت، سلامت و آموزش پشتیبانی خواهد کرد. او بیان داشت دهلی‌نو همچنین متعهد به حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی افغانستان است. او خاطرنشان کرد: «همکاری نزدیک‌تر بین ما به توسعه ملی شما علاوه بر انعطاف‌پذیری و ثبات منطقه‌ای کمک خواهد کرد.



برکناری رئیس جمهور پرو

پارلمان پرو باامداد جمعه رئیس جمهور این کشور را با۱۱۸ رأی موافق برکنار کرد؛ تصمیمی که در پی موج ناراضیاتی عمومی از ناکامی دولت در مهار جرایم سازمان‌یافته و افزایش خشونت اتخاذ شد. پارلمان پرو در جلسه‌ای فوق العاده که نیمه‌شب جمعه برگزار شد، با استناد به یکی از بندهای قانون اساسی مبنی بر «ناتوانی اخلاقی دائمی»، به‌اتفاق آرا به برکناری «دینا بولوارته» رئیس‌جمهور این کشور رأی داد. بر اساس قانون اساسی پرو، ریاست موقت دولت تا زمان برگزاری انتخابات سراسری در ۱۲ آوریل به‌عهده «خوزه جری» رئیس پارلمان خواهد بود، مگر آنکه نمایندگان پیش از آن رئیس‌جمهور جدیدی را از میان خود انتخاب کنند. به نوشته رسانه‌های محلی، این رأی‌گیری یک چرخش ناگهانی از سوی احزاب راست‌گرا و میانه‌رو بود که طی سه سال گذشته با بولوارته ائتلاف کرده بودند. میزان محبوبیت او از زمان آغاز ریاست جمهوری‌اش، از حدود ۲۱ درصد به ۲ تا ۴ درصد سقوط کرده بود.

مذاکره نقش محوری دارند و چیدمان صندلی‌ها در نشست که با حضور ترامپ برگزار شد- ر جب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در رأس میز و فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان سعودی در سمت چپ ترامپ- عدم تعادل بین قدرت نظامی آنکارا و ریاض را نشان می‌دهد. حداقل تا حدودی به همین دلیل است که عربستان سعودی یک هفته قبل از آن، یک توافق دفاعی متقابل استراتژیک با پاکستان را رسمی کرد.

از نظر عربستان سعودی، توافق دفاعی استراتژیک با پاکستان به معنای بهبود اهرم فشار در مذاکرات و به تبع آن، نفوذ ریاض بر مأموریت غزه است. از نظر پاکستان، این توافق جایگاه اسلام‌آباد را به عنوان یک دینفع کلیدی ارتقا می‌دهد. خصوصاً اگر بخش عمده‌ای از مسئولیت‌های نظامی را تحت توافق دوجانبه خود با ریاض بر عهده داشته باشد. جغرافیا و مشارکت تاریخی مصر با غزه نیز این کشور را به یک بازیگر حیاتی در این تلاش امنیتی جمعی تبدیل می‌کند. در نهایت، یک ائتلاف از نیروهای نظامی باید بر سر ساختار و قوانین درگیری تحت یک فرماندهی واحد توافق کند و رسیدن به این توافق احتمالاً فرآیندی طولانی و دشوار را شامل خواهد شد. اگر حماس با شرایط موافقت کند، اولین و دشوارترین وظیفه این نیروی امنیت جمعی خلع سلاح جنبش اسلام‌گرای فلسطین خواهد بود. خلع سلاح و ادغام مجدد گروه‌های چریکی همیشه دشوار است، اما با توجه به وجود تونل‌های زیرزمینی، این امر به طور خاصی در غزه دشوار خواهد بود. سپس این سوال مطرح می‌شود که چه تضمین‌هایی باید داده شود تا حماس از بازسازی خود به عنوان یک نیروی نظامی خودداری کند؟ غزه، به هر حال، سرزمین اصلی حماس است و حماس تقریباً چهار دهه در غزه سابقه فعالیت به عنوان سازمان شبه‌نظامی دارد.

با فرض اینکه حماس تصمیم بگیرد دیگر به عنوان یک سازمان شبه‌نظامی عمل نکند، باز هم مشخص نیست که به عنوان یک سازمان سیاسی چه اتفاقی برای آن خواهد افتاد. با توجه به اینکه این گروه به مدت ۱۸ سال بر غزه حکومت کرده است - و هیچ گروه رقیب دیگری در غزه وجود ندارد - اطمینان از اینکه حماس هیچ نقشی در حکومت آینده غزه نخواهد داشت، بسیار چالش‌برانگیز خواهد بود. حماس در سال ۱۹۸۷ از شاخه فلسطینی اخوان المسلمین که از سال ۱۹۴۶ به عنوان یک جنبش اجتماعی و مذهبی فعالیت می‌کرد، منشعب شد. بنابراین، نیروهای امنیتی اسرائیل نیز باید با حماس به عنوان یک پدیده اجتماعی برخورد کنند، حتی اگر بخواهند محیطی ایجاد کنند که حماس در آن نتواند کنترل اوضاع را به دست بگیرد.

این بدان معناست که نیروهای امنیتی اسرائیل باید با طوایف مختلف در سرزمین‌های فلسطینی همکاری کنند. نیروهای امنیتی اسرائیل همچنین باید با جناح‌های متفاوت از حماس، برای جذب و آموزش یک نیروی امنیتی بومی جدید همکاری کنند. در همین حال، باید با نهاد انتقالی بین‌المللی جدید معروف به هیئت صلح، به ریاست خود ترامپ و احتمالاً با هماهنگی تونی بلر، نخست‌وزیر سابق بریتانیا، همکاری کنند. نیروهای امنیتی اسرائیل همچنین باید امنیت کمک‌های بشردوستانه فوری (غذا، آب، سرپناه، مراقبت‌های پزشکی) را که قرار است به نزدیک به ۵ میلیون آواره غزه‌ای ارائه شود، تضمین کنند. در درازمدت، طرح صلح ترامپ خواستار بهبود، بازسازی و توسعه غزه و ایجاد یک ساختار حکومتی جدید است. این برنامه‌ای است که ظاهراً بانک جهانی رهبری هدایت را بر عهده خواهد داشت و این برنامه جدای از موضوع اصلاح تشکیلات خودگردان فلسطین قبل از تبدیل شدن به نهاد رسمی حکومت در غزه است.

به عبارت دیگر، نیروهای امنیتی اسرائیل حداقل به دنبال یک تعهد ۱۰ ساله خواهند بود. برای کشورهایی مانند عربستان سعودی و پاکستان که فاقد روابط رسمی با اسرائیل هستند، مشارکت در این طرح مستلزم هماهنگی مستقیم و بی‌سابقه‌ای با اسرائیل برای ایجاد یک معماری امنیتی جدید در قلمرو فلسطینی خواهد بود. به عبارت دیگر، آنها باید با نیروهای دفاعی اسرائیل همکاری کنند تا کنترل مرزهای غزه را حفظ کنند. همکاری امنیتی بلندمدت بین کشورهای عربی و مسلمان و ارتش اسرائیل این پتانسیل را دارد که ژئوپلیتیک منطقه را تغییر شکل دهد. روند توافق نامه ابراهیم تقریباً دو سال پیش با حمله حماس متوقف شد و عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل را در کوتاه‌مدت غیرممکن ساخته است. بنابراین، حضور بلندمدت یک نیروی امنیتی عرب-مسلمان در غزه، بر روی کاغذ، می‌تواند یک رابطه عملی بین اسرائیل و کشورهایی مانند عربستان سعودی و پاکستان ایجاد کند.



تواند شکننده باشد؟



اسرائیل احتمالاً خروج نیروهای خود و جریان کمک‌ها را به خلع سلاح و برکناری حماس از قدرت در غزه گره خواهد زد. با این حال، در غزه هر دو طرف با فشارهای بین‌المللی و داخلی بسیار قوی‌تری برای رعایت آتش‌بس مواجه هستند. این امر می‌تواند آتش‌بس را در صورت پابرجا ماندن از طریق میانجیگری خارجی و پاسخگویی عمومی، پایدارتر کند



امنیتی داخلی بلندمدت در تأمین امنیت مرزهای فلسطین عمل کند. دو مسئولیت اصلی این نیرو، نظارت بر خلع سلاح حماس و غیرنظامی کردن غزه و ایجاد یک نیروی پلیس فلسطینی برای تبدیل شدن به نیروی امنیتی دائمی در این منطقه خواهد بود. اما پیش از آنکه این اتفاق بیفتد، مسئله این است که چه کسی این نیروهای امنیتی را تشکیل خواهد داد. گزارش‌های فعلی حاکی از آن است که این نیروها شامل نیروهایی از کشورهای عرب و با اکثریت مسلمان خواهند بود. جلساتی که ترامپ در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل برگزار کرد، نشان می‌دهد که ترکیه، عربستان سعودی، پاکستان، مصر، اندونزی، قطر، امارات متحده عربی و اردن بخش عمده‌ای از پرسنل را تأمین خواهند کرد. کشورهای عربی و مسلمان دیگری نیز می‌توانند به آنها بپیوندند و پرسنلی از کشورهای غیرمسلمان نیز می‌توانند در آن گنجانده شوند. لحن این طرح نشان می‌دهد که ایالات متحده ممکن است در بسیج این نیرو نقشی داشته باشد.

واشنگتن مطابق با دکترین ژئواستراتژیک جدید دولت ترامپ، انتظار دارد که کشورهای عرب و مسلمان بخش عمده‌ای از مسئولیت امنیتی را بر عهده بگیرند. یک گزینه این است که آنها می‌توانند این کار را تحت نظارت ائتلاف نظامی اسلامی ضدتروریسم ۴۱ عضو انجام دهند که توسط عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ راه‌اندازی شد و ظاهراً توسط ژنرال بازنشسته پاکستانی، راحیل شریف، آن را رهبری می‌کند. با این حال، این اتحاد ۴۱ کشوری، هیچ نیروی دائمی ندارد و هرگز به عنوان یک نیروی حافظ صلح یا تثبیت‌کننده دائمی تحت یک فرماندهی واحد عمل نکرده است. ائتلافی که منحصر از نیروهای عرب و مسلمان برای برقراری نظم یا ثبات در یک سرزمین ثالث تشکیل شده باشد، در تاریخ مدرن بی‌سابقه خواهد بود. اولویت اول، ایجاد یک زنجیره فرماندهی مشخص است. ایجاد یک ساختار نظامی کارآمد نیازمند درک سیاسی چندجانبه بین کشورهای شرکت‌کننده است. دو دینفع اصلی منطقه‌ای، یعنی ترکیه و عربستان سعودی، در این

در یک درگیری کم‌شدت نگه خواهد داشت، و درگیری‌های پراکنده و حملات شبه‌نظامیان علیه مواضع ارتش اسرائیل حتی تحت آتش‌بس گسترده‌تر نیز ادامه خواهد داشت. بنابراین، دوام آتش‌بس به شدت به فشار دیپلماتیک مداوم از سوی واشنگتن، قاهره و دوحه و تمایل هر طرف به مصالحه در مورد مسائلی که مدت‌هاست خط قرمز دو طرف است و در برابر پذیرش آن مقاومت کرده‌اند، بستگی دارد. این موارد عبارتند از خلع سلاح و طرد سیاسی حماس از سوی اسرائیل و خروج کامل اسرائیل از غزه و جایگزینی آن با یک نهاد حکومتی فلسطینی از سوی حماس.

بنابراین بی‌راه نیست اگر بگوییم که خطر از سرگیری جنگ گسترده و شدید به مرور زمان افزایش خواهد یافت، به‌ویژه اگر افکار عمومی اسرائیل به سمت حمایت از جنگ تغییر جهت دهد، زیرا به طور حتم آمریکا و اسرائیل حماس را در طول مذاکرات به عنوان طرفی که در حال تعلل است، معرفی خواهند کرد. علاوه بر این، با توجه به اینکه قرار است اسرائیل تا اکتبر ۲۰۲۶ انتخابات سراسری برگزار کند، خطر جنگ دیگری پس از پایان انتخابات و با تشکیل دولت جدید با اختیارات جدید، به‌ویژه اگر مذاکرات تا آن زمان متوقف شود و حماس از خلع سلاح خودداری کند، افزایش خواهد یافت.

از سوی دیگر اسرائیل نشان داده که چندان به توافقات خودش در خصوص آتش‌بس پایبند نبوده است. با وجود امضای توافق آتش‌بس ۲۷ نوامبر با حزب‌الله، که تصریح می‌کند ارتش اسرائیل پس از ۶۰ روز از تمام سرزمین‌های لبنان عقب‌نشینی خواهد کرد، تا زمانی که حزب‌الله به شمال رودخانه لیتانی عقب‌نشینی کند، اسرائیل به تعهدات خود پایبند نبوده و حداقل پنج پایگاه در جنوب لبنان را حفظ کرده است، با وجود اینکه حزب‌الله به شمال منطقه تعیین‌شده عقب‌نشینی کرده است. شکل‌گیری الگوی مشابه رفتاری در غزه نیز محتمل است. اسرائیل احتمالاً خروج نیروهای خود و جریان کمک‌ها را به خلع سلاح و برکناری حماس از قدرت در غزه گره خواهد زد. با این حال، در غزه هر دو طرف با فشارهای بین‌المللی و داخلی بسیار قوی‌تری برای رعایت آتش‌بس مواجه هستند. این امر می‌تواند آتش‌بس را در صورت پابرجا ماندن از طریق میانجیگری خارجی و پاسخگویی عمومی، پایدارتر کند. نیویورک‌تایمز گزارش داده که حماس ممکن است با خلع سلاح جزئی موافقت کند، مشروط بر اینکه ایالات متحده تضمین کند اسرائیل تحت هیچ شرایطی جنگ را دوباره آغاز نخواهد کرد. اما بعید است ایالات متحده چنین تضمینی به حماس بدهد؛ به‌خصوص اگر مذاکرات در مرحله دوم متوقف شود.

نکته دیگر اینکه بند ۱۵، طرح صلح ترامپ مربوط به این است که چه کسی مسئولیت امنیت - و به طور کلی، حکومت - را در نوار غزه بر عهده خواهد گرفت. واشنگتن با شرکای عرب و بین‌المللی برای ایجاد نهادی به نام نیروی ثبات بین‌المللی همکاری خواهد کرد و قرار است این نیرو به عنوان راه‌حل

ادامه سر مقاله

جالب است که نسبت تلفات اعراب به اسرائیل در جنگ غزه تفاوتی با جنگ شش‌روزه ندارد جز این که در جنگ اخیر فلسطینی‌هایی که مورد اصابت قرار گرفتند اغلب کودکان و زنان و غیرنظامیان هستند. حتماً رجزخوانی‌های ترامپ و نتانیاهو را در دو سال اخیر درباره غزه به یاد داریم که اولی می‌خواست آنجا را به تصرف آمریکا درآورد بدون حضور هیچ فلسطینی، اسرائیلی‌ها هم دنبال احیای شهرک‌های خود پس از اخراج همه فلسطینی‌ها بودند. ولی پس از دوسال از آغاز جنگ مجبور به عقب‌نشینی شده‌اند و آینده آنجا هم قرار است به دست فلسطینی‌ها اداره شود. حماس هم امروز مهم‌ترین خواسته‌اش پایان جنگ است و بقیه مطالبات در اولویت‌های بعدی قرار گرفته‌اند. به

عبارت دیگر هر دو طرف در این جنگ طولانی و پرتلفات، که به لحاظ زمانی چندین برابر زمان همه جنگ‌های قبلی بود، تمامی برگ‌های برنده خود را رو کردند و چاره‌ساز نشده است، و نیاز به شکستن بن‌بست موجود بود که در نهایت به وسیله عناصر بیرونی در حال وقوع است. ولی در خوشبینانه‌ترین حالت این آغاز یک راه پرپیچ و خم و خطرناک است. کاری که می‌توان کرد حمایت از توافقی است که ضمن تأمین حقوق قانونی فلسطینی‌ها پایدارترین حالت را هم فراهم کند. البته خطر اصلی که این فرآیند را تهدید می‌کند زیاده‌خواهی‌های پایان‌ناپذیر اسرائیل است که باید برای آن تضمین کافی فراهم کرد. نقش ایران در این فرآیند مهم است که جداگانه باید به آن پرداخت.